

شهادت خانم غفارپور

درمورد بختیار

امیر فیض- حقوقدان

ضمن تشکر از خانم غفارپور که شهادتی به تاریخ درمورد نقش شاپور بختیار در ترک کشور از سوی شاهنشاه ایران داده اند توضیحات زیر را لازم میدانم.

۱- خروج شاه از کشور همواره هدف شاپور بختیار بوده است در جزوه (مرغ طوفان) که از انتشارات نهضت مقاومت بختیار بوده است سندی هست که بیان کننده قصد و اقدام بختیار علیه شاهنشاه ایران بوده است. در آن جزوه اشاره ای هست مبنی بر اینکه یکی از هواداران بختیار که در خارج از کشور بود به بختیار نوشته است؛ «شما قول داده بودید که در اولین فرصت شاه را از کشور بیرون بیاورید ولی اکنون که نخست وزیر شده اید به این تعهد خود عمل نکرده اید» در همان جزوه جواب بختیار چنین خواندنی است: «منکه تازه دوروز است آمده ام نمیتوانم گوش آن مردک را بگیرم و بیرون بیاورم صبر کنید» (استفاده از حافظه و تکرار شده در سنگرها)

نامه مزبور نشان میدهد که:

- ۱- هدف و برنامه خروج شاهنشاه از کشوری که امر پنهانی نبوده و یا بعلمت شرایط کشور بوجود نیامده بود بلکه دوستان و نزدیکان بختیار از هدف بختیار که اقدام علیه شاه است آگاه بوده اند.
- ۲- خروج شاه از کشور از شرایط قبول نخست وزیری بختیار نبوده بلکه هدفی بوده که مقام نخست وزیری در تحقق آن تنها وسیله بوده است و در کلامی دیگر موقعیت کشور و حاله تصدی نخست وزیری به بختیار نمیتوانسته روال عادی داشته باشد، بلکه موقعیتی را برای بختیار بوجود آورده تا قصد پلید او را در ترک کشور از سوی شاهنشاه، بوسیله او ممکن گرداند.
- ۳- در شهادت خانم غفاری اشاره به اشتباه بختیار شده است. برداشت شاهد و یا واسطه شهادت درست نیست، زیرا اشتباه متوجه موردی است که قصد در انجام آن نباشد و پراخ آن کار با فرض اصالت و صحت صورت گرفته باشد

اسناد سفارت آمریکا و گزارشات مامورین اطلاعات سفارت آمریکا که با بختیار از سالهای دور دیدار و مذاکره داشته اند نوشته اند: «بختیار بطور حتم در پی فرصتی است که علیه شاهنشاه اقدام کند» گزارشات مزبور حداقل دو مورد زیر را ثابت میکند.

اول اینکه فرصت نخست وزیری همان فرصتی بوده که بختیار از آن برای اعمال نیت پلید خود در اقدام علیه شاه استفاده کرده است؛ و در گزارش مامورین سفارت آمریکا هم بر آن تاکید گذارده شده.

دوم اینکه قصد بختیاردراقدام علیه شاه قصدی نبوده که با شرائط نخست وزیری پیوند داشته باشد و زمینه ارادی و تحقق آن قصدازسالها قبل ازنخست وزیری وجود داشته آنهم درحدی که مامورین سفارت آمریکا هم به آن آگاه شده اند ولذا تبیین آن به اشتباه بهیچوجه درست نیست. اشتباه از مراتب رفع مسئولیت و فراغت ازقصد است و باید ازاین بی احتیاطی یعنی تبدیل قصد خیانت به اشتباه ناراضی بود.

یکی ازافتخارات! بختیارکه دراظهارات او وجود دارد وازجمله مصاحبه با باشکاه روزنامه نگاران فرانسه در سپتامبر سال ۱۹۷۹ است با آنکه خبرنگارفرانسوی میگوید ماکه میدانیم خروج شاه از کشور کار شما نبود بختیار تحمل نمیکند واصرار میکند که خروج شاه بنابرتصمیم من بوده است.

در سپتامبرسال ۷۹ که بختیاربه پاریس آمد برهرکس روشن نبود که موفقیت شورشیان نتیجه نبود فرماندهی شاهنشاه است ولی بربختیارمفصلا معلوم بود وجراید خارجی هم نوشته بودند با خروج شاه دولت بختیارچاروب خواه شد ولی کینه و دشمنی بختیارباشاهنشاه ایران که فصل مشبهی است درحدی قرار داشت که منافع کشورراتحت الشعاع ساخت.

آنچه نوشته بالا را لازم گردانید:

آنچه درزیر میخوانید سه دست گشته تا به من رسیده. نویسنده که خانم غفار پور هستند در پی گفتاری که آقای مانوک خدابخشیان در برنامه تلویزیونی خودش در باره بختیار (شاپور) داشته در فیس بوک آقای خدابخشیان نوشته اند.

من مطلب را با خود ایشان مطرح و تایید نوشته را گرفتم و به من نوشتند «نمی توانند نام وزیر را فاش کنند زیرا صحبت خصوصی بوده و باید احترام نام ایشان را حفظ کنند.» از اینکه موضوع را با خود ایشان کنترل کردم سپاسگزاری کرده اند.

البته میدانیم درخواست آقای صدیقی این بوده است که شاهنشاه در کشور بمانند ولی فشار و تهدید های سفیران انگلیس و آمریکا و گروگانی که از ولیعهد گرفته شده بود و ایشان در آمریکا و ایالت تکزاس زیر نظر آمریکایی ها اسیر شده بودند و فشار های دیگری که از اطرافیان خودشان تحمل میکردند و عدم علاقه ایشان به خونریزی و جنگ داخلی مانع از ماندن شاهنشاه در ایران میشد.

این نوشته فشار شاپور بختیار را هم که بنا به نوشته آقای دکتر هوشنگ نهانندی با سفارش شهبانو و در پی دیداری که شهبانو با بختیار داشته اند به نخست وزیری رسیده بود به دیگر فشار هایی که در خروج شاهنشاه موثر بوده (احتمالا) تایید میکند.

بختیار در کتاب «یکرنگی» که با عنوان فرانسوی **Ma Fidelite** به زبان فرانسه نوشته به شرح دیدارش با شاهنشاه پرداخته است. او نوشته است: بعد از ملاقات با «شهبانو فرح» و مقدم (رئیس ساواک) به همراه مقدم به دیدار شاه رفت. وی در باره این دیدار می نویسد: «وقتی که شاه به او تکلیف تشکیل کابینه را کرد گفت: من در خدمت اعلیحضرتم. ولی لازم است مساله را با دقت بیشتر بررسی کنم. از طرفی شرایطی که فضای موجود تحمیل کرده مطرح است و از طرف دیگر اعتقادات

شخصی من درباره دولت. اگر قرار باشد که از کار من نتیجه‌ای حاصل شود، این واقعیت‌ها باید باهم آشتی‌پذیر باشند. به علاوه باید در فکر پیدا کردن همکاری باشم. در این دوران تعداد افراد شریفی که مورد احترام و اعتماد مردم باشند زیاد نیست. محتمل است ناگزیر شوم از کسانی که چندان شهرتی ندارند ولی لااقل آلوده به مسائل مشکوک نیستند دعوت به همکاری کنم.»

ولی رفتار های پس از خروج شاهنشاه و کارهای بختیار نشانگر آن است که او برای «فصل» کردن آمده بود «نی برای وصل کردن»

باهم میخوانیم

ح-ک

From:]

Sent: dimanche 21 février 2016 07:15

Subject: Firouzeh Ghaffarpour New York

فیروزه غفارپور نیویورک ژانویه ۲۰۱۶

مانوك عزیز درست بخاطر دارم در زمانی که دکتر بختیار تازه به پاریس آمده بود و من در نیویورک فعالیت میکردم توسط یکی از وزراء بختیار دعوت به همکاری با وی شدم . بدلیل همکاری با تیمسار اویسی این دعوت را نپذیرفتم ولی با این جناب وزیر که فردی بسیار شریف و میهن پرست بود دوستی بسیار خوبی آغاز شد. در آن زمان صحبتها همه دور مسئله بختیار و رفتن پادشاه فقید دور میزد. بخوبی بیاد دارم که در یکی از خاطرات این دوست به من با صراحت تعریف روزی را که بختیار با کابینه خود به کاخ نیاوران رفته بود که به پادشاه معرفی کند داستان پشت پرده آن روز را چنین تعریف کرد:

ما با شاهپور رفتیم کاخ که شاه را ببینیم و کابینه جدید نخست وزیری بختیار به وی معرفی شوند. رسم بر این بود که قبل از دیدار شاه با کابینه، نخست وزیر ابتدا میرفت و خصوصی با شاه صحبتی میکرد و به همراه هم میامدند و کابینه معرفی میشد. اصولا این دیدار بیش از چند دقیقه ای طول نمیکشید ولی آن روز وقتی بختیار رفت این ملاقات خیلی خیلی بیشتر از معمول طول کشید و حتی ما که دیگر خسته شده بودیم دعوت به نشست و چای شدیم و بالاخره پس از گذشت تقریبا يك ساعت شاه با شاهپور آمدند و بختیار بعنوان نخست وزیر و کابینه وی معرفی شدند.

وقتی از قصر بیرون میامدیم در حیاط کاخ نیاوران از شاهپور سؤال کردم چرا اینقدر صحبت تو با شاه طول کشید و وی گفت؛ "هیچی باز داشت چونه میزد که نرود و میگفت ارتش به من وفادار است و بودن من برای حفظ امنیت در کشور لازم است. شما به کارتان ادامه دهید من میروم کیش و از ایران خارج نمیشوم ولی در امور کارهای شما دخالت نخواهم کرد ... خلاصه همش سعی داشت من را راضی کند که بخاطر حفظ یگانگی ارتش و امنیت بهتر است در ایران بماند ولی من به وی اخطار دادم که اگر الان در مقابل دوربین اعلام نکند که ایران را ترك خواهد کرد با کابینه ام کاخ را ترك خواهیم

کرد ".....این دوست ادامه داد که حالا میفهمم شاهپور چه اشتباه بزرگی کرد و رفتن شاه چه فاجعه ای به همراه داشت....."

بله مانوک عزیز در تمام این سالها من این خاطره را عمومی نکردم بدلیل افترا خوردن به اینکه اختلاف ایجاد میکنی ولی امروز که این نوشته را خواندم حس کردم که دیگر سکوت نباید کرد و حقایق باید آنچه که بوده گفته شود.

این دوست پس از چند سال با کمال احترام همکاری خود را با بختیار پایان داد و از گفتارش معلوم بود که ان دوستی قدیمی با بختیار هم نتوانست حمایتش را از راهی که بختیار میرفت حفظ کند. و بیشتر نسبت به پادشاه فقید احترام و علاقه ابراز میکرد.

خاطرات زیاد است و حقایق پشت پرده فراوان